

تئاتر واژه به واژه

ویل هاموند
دن استوارد

ترجمان:
محمدعلی فرزانی
حدیث خسروی



۱۳۹۳

عنوان و نام پدیدآور:	تئاتر واژه به واژه، ویل هاموند، دن استوارد؛ مترجمان محمدعلی ارزانی، حدیث خسروی.
مشخصات نشر:	تهران: افراز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری:	۱۲۸ ص:؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۲۶-۰۴۲-۹
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	Verbatim, verbatim: contemporary documentary theatre, 2011. عنوان اصلی:
موضوع:	نمایشنامه تاریخی — تاریخ و نقد
شناسه افزوده:	هاموند، ویل، ویراستار
شناسه افزوده:	Hammond, Will
شناسه افزوده:	استوارد، دن، ویراستار
شناسه افزوده:	Steward, Dan
شناسه افزوده:	ارزانی، محمدعلی، ۱۳۲۶ -، مترجم
شناسه افزوده:	خسروی، حدیث، ۱۳۷۱ -، مترجم
رده بندی کنگره:	۹۱۳۹۲ ت/۹۱۸۷۲ PN
رده بندی دیویی:	۸۰۹/۲۵۱۴
شماره کتابشناسی ملی:	۳۲۰۳۰۳۶



انتشارات افراز

دفتر مرکزی: خیابان مطین جنوبی، خیابان وحید نظری، بن بست افشار، پلاک ۱، واحد ۵

تلفن: ۶۶۴۰۳۵۸۵

فکس: ۶۶۹۷۷۱۳۶

وبسایت: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

تذات به واژه

ویل هارولد دن اتوارد

مترجمان: محمدعلی آذرانی و حاجت خسروی

نوبت چاپ: اول/۱۳۹۲

ویرایش متن و طراحی جلد: یاسمین محسنی/اتلیه

آرایش صفحات: یاسمین حسدوری

لیتوگرافی/چاپ/صحافی: تریج/تصویر/یکتا

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۷۷۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قایل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله، چاپ،

فتوکی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۷	 دیبا
۱۳	 روبین سونرس
۴۳	 دیوید هیر و ماسن استرورد کلارک
۷۱	 آلیکی بلایت
۹۵	 ریچارد نورتون تایلر
۱۲۱	 نیکلاس کنت

دیباچه

آلبرت اینشتین این عقیده بود که «راز خلایقیت در این است که بدانیم چگونه منابع خود را مخفی نگه داریم». اما تلاش خلاقانه‌ای که در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد، با یک رگر سخن‌روشی تناثری که عموماً از آن به نام «ورباتیم»^۱ یاد می‌شود، خلایقیت عقیده را در پیش گرفته است. متد ورباتیم به جای بسته‌بندی مجدد و اجتناب از تئوریات یا مشاهدات موجود در نمایش‌های داستانی سنتی، ریشه‌های خود را در واقعیت جست‌وجو می‌کند و آن را مرکز توجه قرار می‌دهد.

کلمه‌ی ورباتیم به منبع اصلی مکالمات که در مایشنامه استفاده می‌شوند اشاره دارد. دراماتیست، کلماتی را که مرز بین طوطی یک مصاحبه یا تحقیق بیان کرده‌اند ضبط یا رونویسی می‌کند (یا سعی در از بین بردن و گزارش‌های رسمی موجود برای کار خود بهره می‌برد) و سپس با ویرایش، تنظیم مجدد یا قرار دادن آن‌ها در یک پس‌زمینه‌ی دیگر، نمایشی مستقل می‌دهد که در آن بازیگران در جای اشخاصی که از کلماتشان استفاده می‌کنند قرار می‌گیرند.

۱. Verbatim: واژه به‌واژه.

در این معنی، تئاتر ورباتیم نه یک قالب که یک تکنیک است، به بیانی دیگر، ورباتیم وسیله است نه هدف؛ و دقیقاً به همین خاطر از «تئاتر ورباتیم» می‌توان برای توصیف نمایش‌هایی متفاوت و واگرا استفاده کرد؛ شاید به همین خاطر به نظر می‌رسد که این عبارت بی‌ارزش و بی‌معنی است و چیزی را به توضیح اضافه نمی‌کند. چرا که چه شباهتی میان نمایش مرگ، ست‌فروش و بلک‌واچ^۱ وجود دارد؟ تنها وجه اشتراک این است که سازندگان این آثار، آرتور میلر و گرگوری برک^۲ هر دو کم‌وبیش مدعی شده‌اند که تراکتهای موجود در آثارشان، مخلوق تئاتر و تخیلات آنها نبوده، بلکه جهان واقع زیسته‌اند و کلماتی که استفاده می‌کنند، کلمات مردم واقعاً هستند. حال آن‌که برک، خود را از رهروان ورباتیم می‌داند، اما میلر چنین نبرد.

حتا ادعای صحنی زندگی تئاتر مبنی بر صداقت همه‌چیز را تغییر می‌دهد، چرا که ما دیگر نمایش را فقط «عنوان نمایش که به‌صورت منبع قابل اعتماد اطلاعات خواهد بود» به چنین تئاتری اعتماد می‌کنیم و انتظار داریم که جز صداقت چیز نبینیم. زمانی که این ادعا مطرح می‌شود، تئاتر و روزنامه‌نگاری اشتراکات بسیاری پیدا می‌کنند و دراماتیست، همچون روزنامه‌نگار برای به‌دست آوردن اعتماد مخاطب، در بند پابندی به قوانین اخلاقی خواهد شد. به بیانی دیگر باید بتوان به‌سازگاری «اعتماد» اعتماد کرد.

مورد دیگری که استفاده از این کلمه را بی‌معنی جلوه می‌دهد، این است که ورباتیم چیزی را عوض نمی‌کند. دیوید هییر^۳ معتقد است این حقیقت که

۱. Black Watch: بلک‌واچ نام یک هنگ نظامی بریتانیا است.

2. Gregory Burke

3. David Hare

مردمی که در نمایش‌هایش استفاده شده‌اند، در جهان واقع می‌زیند، به هیچ وجه از نقش او به عنوان دراماتیسست نمی‌کاهد و آن را تغییر نمی‌دهد. ماکس استافورد کلارک^۱ می‌گوید درست است که جهان واقع، ماده‌ی خام را در اختیار هیر می‌گذارد و او نیز از آن ماده به همان صورت خام استفاده می‌کند؛ اما به هر صورت او هنوز باید نمایش و درامی را از دل آن بیرون آورد. سنگی که مجسمه‌ی داوود از آن ساخته شده «واقعی» بود و میکِل آنژ در تحت سنگ نقشی نداشت، اما مجسمه، مخلوق مهارت، تخیل و کار او بود.

ایمانی در صفاقت و حفظ واقعیت امری است که از ابتدا در تئاتر وجود داشته و افرادی چون دیرید هیر و ماکس استافورد کلارک نیز حتا اگر به خاطر افتخار و صداقت شخصی نبود، از این قاعده مستثنا نیستند. می‌دانیم که هیچ نمایش و هیچ روزنامه‌نگاری از تعصب و انحراف نیست، اما همان‌طور که هیر می‌گوید، سازنده در کار تئاتر هستند می‌دانند که از دروغ و انحراف چیزی عایدشان نمی‌شود. منافع ایشان تنها از راه صداقت برآورده خواهد شد. چنین تئاتر و نمایش صداقتی را که امروزه روزنامه‌نگاری از آن قاصر شده، برعهده می‌گیرد. برای فردی که با تاریخ تئاتر قرن بیستم آشنا باشد، البته این خواسته امری نو نیست. «روزنامه‌ی زنده» اروین پیشر^۲ تئاتر خیابانی، تئاتر مستند پیشر چیزمن^۳، حفاری‌های تاریخی رولف هوشهوت^۴ درام

1. Max Stafford Clark

۲. روشی مخالف با تئاترهای رئالیستی و ناتورالیستی دهه‌ی سی که با استفاده از روزنامه‌نگاری و دراماتیسست‌های خبره در صدد بود تا حوادث روز را پیش‌بینی یا بازسازی کند. از جمله حوادثی که این روش در پیش‌بینی آن توفیق یافت، حمله‌ی موسلینی به اتیوپی بود.

3. Peter Cheeseman

4. Rolf Hochhuth

تک نفره آنا دیور اسمیت^۱ و... همان طور که می بینیم تئاتر مستند جدید بر میراثی عظیم تکیه دارد؛ اما آن چه نوبه نظر می رسد، رشد و قبول ورباتیم به عنوان روشی ممتاز در تئاتر مستند است. به خصوص اگرچه این تئاترها به خاطر پیشگامانش امروزه در تئاترهای ملی، برادوی و وست اند به نمایش در می آیند، اما نحوه ی آشنا شدن این پیشگامان با آن کاملاً با شانس و اقبال همراه بوده است. اگرچه تعریفی که از ورباتیم در اختیار داریم، بسیار انتزاعی و در عین حال سست است، اما این روش امروزه در دانشگاه ها به عنوان یک ژانر در سریال می شود، در تلویزیون و سینما پخش شده و در مجلس اعیان بر تانیا نمایش در آمده است. این روش در حال پیشرفت است. اما باید از خود پرسش کنیم: چرا؟

محتوای نمایش می چون نام من راشل کوری است^۲، رنگ عدالت^۳ و گفت وگو با تروریست ها^۴ (در مورد مسائلی چون زجر مردم فلسطین، نژادپرستی و بی عدالتی دولت)، خطر تروریسم جهانی و... است) به ما گوشزد می کند که شاید بهتر باشد در کنار مسائل مهم روز از این شیوه استفاده کنیم. جهان روز به روز جدی تر می شود و خلأست ما از تئاتر این است که به ما در فهم آن کمک کند. افرادی چون نیکلاس کنت^۵ و ریچارد نورتون تایلر^۶ به وسیله شیوهی خود، نمایش دادگاه، مدخلی فکری می کنند تا افراد ناآگاه در مورد مسائل مهم اجتماعی جر و بحث کنند و تصمیم بگیرند و در طول این روند اگر شانس با آن ها همراه بود نماینده ی قانون را به تاثیر قرار دهند.

1. Anna Devere Smith

2. *My name is Rachel Corrie*

3. *The color of justice*

4. *Talking to terrorists*

5. Nicolas Kent

6. Richard Norton Taylor

اما ممکن است سؤال پیش بیاید که چرا تئاترهایی چون سفر دریایی آلکی بلائیث^۱ یا زندگی پس از بی آبرویی^۲، که در مورد شخصیت‌های مهم اجتماعی است که در پی اثبات بی‌گناهی خود هستند، هم باید از چنین روشی استفاده کنند؟ مگر نه این که این مسائل بیشتر شخصی‌اند و کمتر به بعد اجتماعی مرتبط می‌شوند. آلکی بلائیث معتقد است که هوس و علاقه استفاده از این روش شاید به خاطر علاقه‌ی ما به ستارگان یک‌شبه باشد. هر کسی می‌تواند ستاره تئاتر ورباتیم شود. هم‌زمان که ورباتیم می‌تواند وسیله‌ای برای سرکشی دموکراسی باشد (بدین صورت که هدف آن رساندن اطلاعات بیشتر به مردم است) می‌تواند به وسیله‌ی آلکی بلائیث به تئاتری قابل دسترسی برای همسایه‌های مردمان نیز تبدیل شود: چراکه هر کسی می‌تواند در آن‌ها حضور یابد. این زمان می‌توان ورباتیم را رسانه‌ای دموکراتیک نامید. آیا می‌توانیم این را دلیل شهرت و قبولیت ورباتیم بدانیم؟

باید گفت که ورباتیم تعداد طراران خود مخالف نیز دارد. در تیره^۳ با داستانی به شدت غم‌انگیز، از کسانی که از یهودیه به مرگ محکوم شده‌اند مواجه‌ایم و ستارگانی نظیر ریچارد دریفیوس، مایا و، جف گولدملام، رابین ویلیامز و استوکار چنینگ^۴ به جای این محکومان ایستاده‌اند و نقش می‌کردند. مخالفان معتقد بودند که ترکیب زجر با ستارگان تلویزیونی به شدت منجرکننده است، چراکه این ستارگان در واقع استثمار می‌شوند. سپس کلی در مراقبت از عزیز^۵ جوابیه‌ای به همین مسأله می‌دهد. گویی ستارگان در زمانی مردم از شوهای تلویزیونی می‌پرسیدند، امروزه در تئاتر مطرح می‌شود.

1. Alecky Blith's *Cruising*

2. Robin Soans' *Life after scandal*

3. *The Exonerated*

4. Richard Dreyfuss, Mia Farrow, Jeff Goldblum, Robin Williams and Stockard Channing

5. Dennis Kelly's *Taking care of baby*

وقت این رسیده که تأکید کنم هدف این کتاب معرفی شیوه‌های گوناگون استفاده از تناتر ورباتیم با توجه به مقالات دست‌اول پیشگامان این تناتر است. در این کتاب علاوه بر این‌که خواننده را با این واقعیت آشنا می‌کنیم که دسته‌بندی و مرزبندی صریحی برای تناتر ورباتیم وجود ندارد، ای رهروان این روش نیز فرصتی ایجاد می‌کنیم تا با سؤالاتی نظیر معنای واقعیت و داستان، تمرین، تحقیق، تدوین، تکنیک‌های اجرا و نمایش، دست و پنجه نرم کنند. مقالات و مصاحبه‌های جمع‌آوری شده در این کتاب هر یک از اصول و مباحثات فراوان تاریخ این تناتر است و به‌منظور نمایش کلی آن پهنای است که امروزه از آن با عنوان ورباتیم یاد می‌شود. در پایان آرزو دارم که این کتاب برای گفت‌وگوها و مباحثاتی نو ایجاد کند.